

سمافران مرگ

از آنکه از سفر مرگ بازگشتند
(جلد ۱)



- سرشناسه: قربانی، ص ۷۰، ۷۱
- عنوان قراردادی: شایه‌ت‌دانی، مال، سیاسی
- عنوان و نام پدیدآور: مسافران گ/نور: عارف قربانی؛ مترجم: مرتضی مرادی (نارما)
- مشخصات نشر: کرمانشاه، ماهتاب عرب، ۱۱۹۷
- مشخصات ظاهری: ۲۱۷ ص: مصور
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۳-۰۴-۷
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- موضوع: نبرد انفال، عراق، ۱۹۸۶-۱۹۸۹ م.
- موضوع: Anfal Campaign, Iraq, ۱۹۸۶-۱۹۸۹
- موضوع: نسل‌کشی -- کوردستان (عراق)
- موضوع: (Genocide -- Kurdistan) Iraq: Province
- موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- فجایع -- عراق
- موضوع: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Iraq -- Atrocities
- موضوع: بازماندگان جنگ -- خاطرات
- موضوع: Combat survival -- Diaries
- موضوع: حلبچه (عراق) -- تاریخ -- بمباران، ۱۹۸۸ م.
- موضوع: Bombardment -- History -- Halabjah (Iraq), ۱۹۸۸
- شناسه افزوده: مرادی، مرتضی، ۱۳۶۵، مترجم
- رده بندی کنگره: ۷۱۸/ق۴ش۲۰۴۱۱۳۹۷/DS۷۹
- رده بندی دیویی: ۹۵۶/۷۰۴۴۲
- شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۱۷۵۰۸

مسافران مرگ (جلد اول)

عارف قربانی

ترجمه‌ی: مرتضی مرادی (نارما)

ویراستار: پوریا الماسی

طراح گرافیک: عطیه مولایی

صفحه‌آرایی (استودیو وینر): میثم باقری

ناظر فنی چاپ: علی عبدالله‌زاده

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸، کرمانشاه

کلیه حقوق برای نشر ماهتاب غرب محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۳-۰۴-۷

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۳-۱۱-۵



دفتر نشر ماهتاب غرب:

دبیراعظم، پاساژ حافظه، طبقه‌ی سوم

تلفن: ۰۸۳-۳۷۲۳۸۴۵۰

(۰۰۹۸)۹۳۹۹۲۶۲۶۲۸

نویسنده‌ی کتاب: دکتر شانگای ماهتابی غهرب:

کرمانشان، دبیر عزمه، مساجر حافظ، قاتی سیهم

تلفن: ۰۸۳-۳۷۲۳۸۴۵۰

Email: Mahتاب@yoo.com



مرکز بخش: بخش کتاب ماد

آدرس: سنج، چهارراه شهدا،

شهر کتاب عزتی، طبقه‌ی اول

تلفن: (۰۰۹۸)۹۱۸۵۳۱۱۳۳۷

ناوه‌ندی بلاوکر دهنه: کتبیی ماد

ناونیشان: سنه، چوارر ییانی شه‌هیدان،

شاره‌کتبیی عیزه‌تی، قاتی به‌که‌م

ته‌له‌فون: (۰۰۹۸)۹۱۸۵۳۱۱۳۳۷

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۵۹	اسناد
۶۹	آنها که از سفر مرگ بازگشتند
۱۹۲	فرشتگانی که در زندان متولد شدند
۱۹۷	فرشتگان عرعر

نسل‌کشی و جنایات بسیاری در تاریخ به ثبت رسیده که توسط دیکتاتور و پادشاهان خونخوار انجام گرفته و در پی آن هزاران و حتی میلیون‌ها انسان به کام جنگ و مرگ کشیده شده‌اند و هر شرم‌باری و تنگ‌چیزی به تاریخ بشریت اضافه نشده است. کشتار ارامنه از سده ۱۹، حکم عثمانی و کشتار یهودی‌ها توسط حکومت نازی آلمان دو نمونه‌ی مشهور و نر یک تاریخی‌اند که در جریان آن‌ها هزاران انسان قربانی سیاست و قدرت‌طلبی دیکتورها شدند.

هلاکو خان، چنگیز خان مغول، در لرلنگ و نمونه‌های بسیار دیگری از گذشته تا امروز مرزهای خود را با خون انسان‌های بی‌گناه ترسیم کرده‌اند.

بررسی تاریخ چنین می‌نماید که در آیند و قوع چنین فجایعی بسیار کم است، اما می‌توان گفت ژینوساید انفال که در ا سرقس و بیستم و توسط رژیم بعث علیه ملت کورد انجام شد و قریب به دویست هزار ان بی‌گناه در آن قربانی شدند، در تاریخ بشریت بی‌سابقه بوده و تنها حکومتی که سیه شد و روندا خود دست به چنین جنایت و حشیانه‌ای زده باشد، حکومت بعث عراق بود و همین که سبب تمایز و تفاوت انفال از دیگر نسل‌کشی‌های تاریخ بشریت می‌شود.

همچنین در جریان نسل‌کشی‌های دیگر تاریخ، تعداد زیادی قربانی و کشته شده‌اند اما در ژینوساید انفال قریب به دویست هزار نفر زن، کودک، مرد، سالمند و حتی معلول و ناتوان مفقودالاث‌ر شدند و اکنون پس از گذشت ۱۴ سال هنوز هم هیچ اطلاعی از سرنوشت آن‌ها در دست نیست.

انفال و تلاش برای ژنوساید و پاکسازی نژادی کورد، تاریخی دور و دراز دارد و نمی‌توان آن را تنها به عملیات نظامی رژیم شوونیستی حاکم بر عراق در یک فاصله‌ی زمانی مشخص محدود کرد، عملیاتی سریع و برق‌آسا که علیه شهروندان عادی و جنبش آزادی ملی یکی از ملل تحت سیطره‌ی رژیم بعث صورت گرفت. انفال نقطه‌ی اوج جنایتی بود که از گذشته‌های دور پایه‌ریزی و همچون یک استراتژی پیگیری شده است.

اگر نگاهی به پیشینه‌ی تشکیل کشور عراق داشته باشیم و فاصله‌ی ۶۳ سال بین الحاق اقلیم کوردستان به عراق تا وقوع فاجعه‌ی انفال را بررسی کنیم، خواهیم دید که در دوره‌ی هر کدام از حکام عراق به نوعی این پروسه پیگیری شده و در هر مرحله با پاکسازی نژادی کورد با اتکا به روش‌های مختلف تلاش شده است، تا این که سرانجام رژیم بعث به وحشیانه‌ترین شیوه‌ی ممکن و با اتکا به تمام توان نظامی و سیاسی خود، استفاده از انواع سلاح‌های نامتعارف و بدون توجه به قوانین بین‌المللی، سیاست مذکور را عملی کرده و نهایتاً جنایت انفال را انجام داده است که در تاریخ بشریت نمونه‌ای را نمی‌توان یافت. شاید تنها جنایات هلاکو و چنگیز و یا قتل عام ارامنه به دست تکون عثمانی، هولوکاست یهودی‌ها توسط هیتلر با انفال برابری کنند.

با بررسی اجمالی تاریخ به این نتیجه خواهیم رسید که تشکیل کشور عراق بدون در نظر گرفتن حقوق ملت کورد و الحاق اقلیم کوردستان به عراق عرب‌نشین زمینه را برای حکومت‌های مختلف فراهم کرد که از طریق تغییر سیمای ملت کورد و آسیمیلاسیون و چه از طریق تعریف مناطق کر درنشین، کرد را به حاشیه رانده و سرزمین پربرکت کوردستان را غارت کنند.

به همین دلیل از آغاز استقرار حکومت در کشور تازه تاسیس عراق، شوونیستی پیگیری شده است، ابتدا عشایر عرب را تحریک کرده‌اند تا به سمت مناطق حاصلخیز و خوش آب و هوای کوردستان بیایند و در این زمینه از آن‌ها حمایت کامل شده است، عشایر عرب را به این سمت مرزهای بین دو ملت کورد و عرب یعنی سلسله جبال حمزین فرستاده و در دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی عشایر حمدانی و کلیبات را جهت یکجانشین شدن برای دآمداری پشتیبانی کرده و به این

مناطق فرستاده‌اند، سپس آن‌ها را تحریک کرده‌اند تا زمین‌های کشاورزی کوردها را خریداری کرده و بر روی آن کار کنند.

به همین دلیل در دوره‌ی اول استقلال عراق می‌بینیم که حکومت شمار زیادی از عشایر عرب را از مناطق مرکزی و جنوبی عراق به این سوی سلسله جبال حمرین منتقل کرده و تا نزدیکی‌های موصل، کرکوک، خانقین و به نوعی در نواری از مرز با ایران تا مرز سوریه اسکان داده است. علاوه بر این به بهانه‌ی قیام منطقه‌ی بارزان در فاصله‌ی بین سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۴، ارتش عراق با پشتیبانی نیروی ۵، اِی بر متانیا این مناطق را ویران و تنها در سه منطقه‌ی «بِروژ»، «مزوری» و «شروانه» ۷۹ روستا را کاملاً تخریب کرده است که ۲۳۸۲ خانوار در آن‌ها زندگی می‌کردند. این ترتیب سیاست مذکور پیگیری شده و پس از گذار از مرحله‌ی اول، در مرحله‌ی دوم کوردها را از مناطق کوردنشین بیرون رانده و اعراب را در آن مناطق اسکان داده است. در این مرحله نیز ابتدا حکومت عراق سران عشایر و شیوخ عرب را تحریک کرد تا زمین‌های کوردها را خریداری کنند و حتی در این زمینه به آن‌ها کمک‌های مالی نیز ارائه کرده است. پس از آن و به دنبال باز شدن جای پایشان به وسیله‌ی پور خریداری چند قطعه زمین، خود را صاحب خانه قلمداد کرده و سپس کوردها را از روستاها و سرزمین آبا و اجدادیشان بیرون رانده و زمین‌های آن‌ها را مصادره کرده‌اند تا در نهایت آثار به حایب رسید که کوردها را با توسل به زور و قدرت سیاسی و نظامی از منطقه کوردستان بیرون رانده و اعراب را جایگزین آن‌ها کرده‌اند.

حزب بعث در مرحله‌ی اول حکومت خود در عراق که از ۱۹۶۸ آغاز شد و در مدت زمانی کمتر از ۶ ماه که قدرت را در دست داشت، ۲۲ روستا را به توابع شهر دویز^۱، ۶ روستا از توابع شهر مخمور^۲ و در منطقه‌ی سرگران^۳ ۱۴ روستا که بر روی هم ۴۲ روستا می‌شدند را تخلیه و عشایر و اعراب مناطق جنوبی عراق را در آن روستاها اسکان داد و تمامی زمین‌های کشاورزی مناطق مذکور را به آن‌ها بخشید.

۱. دویز یا به عربی دیس شهری در شرق استان کرکوک. در این شهر کورد، عرب و ترکمن ساکن هستند. اکثر اعراب ساکن در شهر

دویز پس از تعریب این منطقه به استان کرکوک منتقل شده‌اند. مترجم

۲. از شهرهای استان اربیل عراق.

از این زمان به بعد سیاستی که از مدت‌ها قبل پایه‌ریزی و پیگیری شده بود وارد مرحله‌ای ترسناک شد و توسل به زور و استفاده از قدرت نظامی برای پراکتیزه کردن این سیاست مشاهده می‌شود، از این دوره به بعد سیاست مذکور همه روزه و به بهانه‌های مختلف پیگیری شد تا اینکه به بهانه‌ی حفاظت از مرزها و لزوم ایجاد کمربند امن، ده تا بیست کیلومتر از مناطق مرزی کوردستان به طور کامل تخلیه شده و اقلیم کوردستان به نوعی در دایره‌ای محاصره‌ی نظامی شد. تمام روستاها و شهرک‌های مرز عراق - ایران، عراق - سوریه و عراق - ترکیه تا عمق ده کیلومتر تخلیه شدند، تنها در مناطق تابعه‌ی استان سلیمانیه، تعداد روستاهای تخلیه شده به ۵۷ روستا رسید که تعداد ۱۸۵۹۹ خانوار را شامل می‌شد.

در استان اربیل ۱۴۸ روستا تخلیه شدند که ۴۳۸۷ خانوار را در بر می‌گرفت. استان موک نیز ۲۰۷ روستا به بهانه‌ی حفاظت از مرزها تخلیه شدند که ۷۸۲۸ خانوار را در بر می‌گرفت.

بر این اساس در پی اجرای تحت عنوان حفاظت از مرزها، جمعیت زیادی از کوردها از سرزمین پدری خود آواره و به مناطق دیگر منتقل شدند، کمربندی نظامی به دور کوردستان کشیده و گذشته‌ی زمان حلقه‌ی محاصره تنگ‌تر و تنگ‌تر شد. در مناطق مرزی بین دو کشور و عرب هم سد محکمی ایجاد و عمق بیشتری از خاک کوردستان هدف قرار گرفته و تلاش‌ها برای حذف اصالت کورد از مناطق کوردنشین و تعریب سرزمین کوردستان ادامه یافت.

علاوه بر این در شهرها، شهرک‌ها و اردوگاه‌های ساخته شده نیز سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» را پیگیری کردند، همچنین شمار زیادی از شهروندان کورد را به بهانه‌ی استخدام در ادارات دولتی به شهرهای جنوب عراق منتقل کردند. هدف هم مشخص بود، ابتدا انتقال و اسکان کوردها در اردوگاه‌ها که سبب آوارگی آنان از مناطق مرزی و دور افتاده می‌شد و سپس پراکنده کردن آن‌ها در شهرهای جنوبی عراق. در مرحله‌ی دوم به قدرت رسیدن حزب بعث، شمار زیادی از کوردهایی که در فعالیت‌های سیاسی و جنبش‌های کوردی مشارکت داشتند به جنوب عراق منتقل شدند و در ادامه، پروسه‌ی تعریب کوردستان به شهرهای کوردنشین رسید و در پی آن شمار زیادی از خانواده‌های عرب را به کرکوک منتقل و در ادارات دولتی

استخدام کردند. تنها طی یک روز و بر طبق دستور حکومت، ۱۱۸ کارگر کورد شرکت نفت کرکوک از کار خود اخراج و نیروهای عرب جایگزین آنها شدند. ساخت و ساز در شهر کرکوک آغاز و حتی برای ساخت چند محله‌ی عرب‌نشین برنامه‌ریزی شد. در یک دوره ۶۰۰ واحد مسکونی در روبه‌روی محله‌ی «اسکان تازه» و با نام «حی الکرامه» ساخته شده و در آنجا خانواده‌های عرب را اسکان دادند و در دوره‌ی بعد هم ۵۰۰ واحد مسکونی دیگر به نام «حی المپنی» در کرکوک ساخته شد.

کنار تمام این اقدامات، سیاست تغییر ترکیب جمعیتی و نژادی کرکوک نیز در دستور کار قرار داشت، در این زمینه می‌توان به تحریف و دستکاری نتایج سرشماری سال ۱۹۵۷ اشاره کرد.

بنابراین سیاست همیشگی حکومت‌های عراق، هر بار و تحت عناوین و بهانه‌های مختلف، تحت مناطق مسکونی و انتقال اعراب به کرکوک بوده است و نهایتاً کار به جایی رسید که برای هر خانواده‌ی عربی که به کرکوک مهاجرت می‌کرد جایزه‌ای ده هزار دیناری اختصا می‌یافت و رژیم بعث علاوه بر مبلغ مذکور زمین و املاک هم در اختیار مهاجران عرب قرار می‌داد.

تمام این اقدامات هم نتیجه‌ی سیاست و نقشه‌ای بود که از پیش آن را برنامه‌ریزی کرده بودند. درست پس از امضای توافقنامه‌ی ۱۱ مارس ۱۹۷۰، استاندار کرکوک در مصاحبه با روزنامه‌نگار مصری درباره ترکیب جمعیتی مناطق کوردنشین اظهار داشت که حکومت عراق تلاش می‌کند در گرافی واقعی مناطق کوردنشین را از طریق تحریف نتایج سرشماری تغییر دهد. هر موضوع خود اعتراف به برنامه‌ی واقعی و آتی رژیم بعث برای کوردها بود که آن در درازمدت تلاشی شونویستی این سیاست پیگیری شد و حزب بعث در این زمینه از تمام ظرفیتهای اقتصادی، سیاسی و نظامی خود نیز استفاده کرد.

«علی حسن المجید»^۱ در جریان انقلاب سال ۱۹۹۱ عراق و در

۱. علی حسن المجید معروف به علی شیعیایی، پسرعموی صدام حسین و از شخصیت‌های مهم حزب بعث بود. به عنوان مسئول جامعه‌ی شیعیایی به حلبچه که به کشته شدن ۵۰۰۰ نفر انجامید، به اعدام محکوم شد. وی در تاریخ ۲۵ ژانویه ۲۰۱۰ اعدام شد. (مترجم)

یکی از کاست‌های ضبط شده‌اش، آشکارا از تلاش برای تعریب کرکوک می‌گوید: «محمود بحث کرکوک است، تا قبل از حضور من عرب و ترکمن حداکثر ۵۱ درصد جمعیت کرکوک را تشکیل می‌دادند. قبل از هر چیز، شخصا ۶۰ میلیون دینار هزینه کرده‌ام تا به وضعیت کنونی رسیده‌ایم. در حال حاضر مسئله بدیهی است و محض اطلاعات اعرابی که به کرکوک منتقل شده‌اند آمار را به ۶۰ درصد هم نرسانده‌اند. سپس قوانینی تصویب شد و اجازه‌ی کار را از کوردها در کرکوک و مناطق اطراف آن نیز سلب کردیم».

آنچه علی حسن المجید از آن می‌گوید اشاره به سال ۱۹۸۷ است که وی در ربیع‌الثانی صاحب قدرت و اختیار شد. چون از ۲۹ مارس سال ۱۹۸۷ تا ۲۳ آوریل ۱۹۸۹ اختیاراتی غیر معمول به وی داده بودند که با قدرت رئیس‌جمهور در مناطق شمالی برابری می‌کرد. اختیارات مذکور از سوی شخص صدام حسین و با امضای وی به امامد تگه‌های ذی‌ربط ابلاغ شده بود.

در طول ده سال قبل از حضور علی حسن المجید در کرکوک و با وجود همه‌ی تلاش‌هایی که چهار شعبه و کوچاندن کوردها از این شهر انجام شده بودند، شمار شهروندان عرب و ترک‌مان‌ها گز از ۵۰ درصد تجاوز نکرده بود. اما تنها در مدت دو سال حضور وی این ریزه ۶۰ درصد رسید، حتی به این هم اکتفا نکرد و دستور داد که حق کار در کرکوک و مناطق اطراف آن از کوردها سلب شود، بلکه آن‌ها به ناچار و برای ادامه‌ی زندگی به کردستان یا دیگر غیر از کرکوک باشند! وی اعتراف می‌کند که تنها در مدت دو سال و با هدف تعریب خود شهر کرکوک مبلغ ۶۰ میلیون دینار عراقی که آن زمان معادل ۱۱۰ میلیون دلار آمریکا می‌شد را هزینه کرده است که البته ده‌ها برابر این مبلغ را نیز برای تخریب و انتقال مردم روستایی به اردوگاه‌های اجباری اختصاص داده تا کوردها را از دایره‌ی از قبل تعیین شده جمع کرده و بتوانند هر زمان که اراده کردند آن‌ها را به‌طور کلی و در مدتی کوتاه و به آسانی نابود کنند. همه‌ی این‌ها از سیاستی شوونیستی نشأت می‌گیرند، وگرنه سال ۱۹۸۰ و زمانی که عراق آتش جنگ با کشور همسایه‌ی خود یعنی ایران را برافروخت و درگیر جنگی بزرگ شد، لازم بود که همه‌ی قدرت و توان خود را برای جنگ مذکور اختصاص دهد. اما می‌بینیم که در سایه‌ی جنگ

با ایران و به همین بهانه، به شیوه‌ای جدی‌تر سیاست تخریب خاک کوردستان و انتقال کوردها انجام شده و تحریم‌ها علیه کورد را افزایش داده تا به نوعی آن‌ها را در زندانی بزرگ یا اردوگاه‌ها گردآوری و آماده کند و به دلیل اغماض و چشم‌پوشی ابرقدرت‌ها از اقدامات عراق به بهانه‌ی جنگ با ایران و زدن بر چسب مزدور و خائن به کوردها، آن‌ها را نابود کند.

از همان اوایل شروع جنگ با ایران و به بهانه‌ی جنگ در استان سلیمانیه، نیروهای حکومتی در شهر پنجوین، منطقه‌ی بیاره، مرکز منطقه‌ی باسنی، اردوگاه‌های «نالپاریز» و پنجوین ۶۶ روستا را تخلیه کردند که ۱۶۱۲۵ خانوار را روبرو گرفت. همچنین در استان اربیل و شهر چومان هم ۳۵ روستا که شامل ۱۷۰۶ خانوار می‌شدند را تخلیه کردند.

برای اساس در هر دو استان سلیمانیه و اربیل، دو مرکز شهر، دو مرکز منطقه، دو اردوگاه و ۱۰۰ روستا را تخلیه و تخریب کردند که جمعاً ۱۷۹۰۴ خانوار را شامل می‌شد و سه کناره مناطق مذکور در شهرها و مناطق دیگر پراکنده شدند.

از آن پس به بهانه‌ی «سخت‌انجام جنگ با ایران، تخلیه‌ی مناطق مرزی و فعالیت نیروهای پیشمرگ، تخریب روستاها به صورت گسترده‌ای انجام می‌شد. به ویژه در هر منطقه‌ای فعالیت نیروهای پیشمرگ مشاهده می‌شد، آن روستا تخریب و به واحدهای نظامی اختیار داده بودند که در هر روستایی درگیری صورت گرفت و یا مشخص شد که آن منطقه پناهگاه نیروهای پیشمرگ است بدون کسب اجازه از مقامات بالاتر آنجا را ویران کنند، در ادامه به صورت مستقیم به این موضوع اشاره خواهیم کرد.

«سازمان امنیت عراق» در استان کرکوک (تامیم) در نامه‌ی مورخی ۱۹۸۷/۹/۱۷ و به شماره‌ی ۵۸۶۶ از سازمان استخبارات منطقه‌ی غرب اروپا و روستاهایی که خطرناک بودن آن‌ها برای امنیت عراق محرز نشده و هور ویران نشده‌اند اعلام تکلیف می‌کند. سازمان استخبارات در نامه‌ی محرمانه‌ی شعبه ۳/ بخش ۲۱۲۷/۳ و در مورخ ۱۹۸۷/۹/۲۸ به صورت ویژه به درخواست فوق پاسخ داده و به همه‌ی مراکز و هیات‌های حاضر در منطقه اعلام می‌دارد: «روستاهایی که خطری ایجاد نکرده‌اند باید صرفاً به اطاعت از دستور علی حسن المجید، ریاست

«مکتب تنظیم شمال^۱» ویران شوند و روستاهایی که در آن‌ها درگیری رخ می‌دهد یا شورشیان و آشوبگران را پناه داده‌اند نیازی به کسب تکلیف ندارند».

با ادامه‌ی سیاست انتقال و کاهش جمعیت کوردها بر اساس قانون ویژه‌ی رژیم و به این بهانه که آن‌ها از ایران آمده‌اند، در تمام مناطق مرکزی و جنوبی عراق به کوردهای فیلی حمله کردند و بیش از ۳۰۰ هزار کورد فیلی که مشغول زندگی عادی خود بودند را بازداشت و پس از مصادره‌ی اموال و دارایی‌هایشان از عراق اخراج و به ایران فرستادند. هم‌هی جوانان و نوجوانانی که سن آن‌ها بین ۱۵ تا ۲۰ سال بود و قریب به ۱۰ هزار نفر بودند نیز به زندان‌های جنوب عراق منتقل شدند، و هزار نفر از این تعداد به بهانه‌ی پاکسازی زندان‌ها در سال ۱۹۸۷ اعدام شده و هشت هزار نفر دیگر نیز قبل از انتقال و به منظور تخلیه‌ی «نوگره سلیمان» به صورت دسته جمعی کشته شدند.

در قالب همان سیاست و به منظور پاکسازی کوردها، صبح روز ۳۱ جولای ۱۹۸۳ نیروهای واردیست جمهوری طی عملیاتی اردوگاه «قوش‌تپه» که پارزانی‌ها در آن ساکن بودند، محاصره کرده و در مدت کوتاهی هم‌هی افراد ذکور که بین ۱۴ تا ۷۰ سال سن داشتند، در تنگر مفقود شدند!

پس از آن در اردوگاه‌های «بحرک»، «هریر» و «دیانه» نیز اتفاقی مشابه روی داد که بر اساس آمار ۸ هزار نفر از افراد ذکور پارزانی‌ها را شامل می‌شد. آن‌ها پس از پایان قیام سپتامبر از روستاهای منطقه‌ی پارزانی، بادینان، اجبارا به کمپ و اردوگاه‌های از پیش ساخته شده منتقل شده بودند.

علاوه بر این هر روز در شهر و شهرک‌های کوردستان - مدین حران دستگیر و به قصاب‌خانه‌ی موصل منتقل شده و چندین خانواده نیز به بهانه‌ی دست‌ور فرزند یا نزدیکانشان در میان نیروهای پیشمرگ بازداشت و به زندان فرستاده می‌شدند.

در تاریخ ۱۹۸۷/۳/۲۰ در شهر کرکوک «صالح سعید بایز» به همراه شش عضو دیگر خانواده‌اش به نام‌های «عادل صالح سعید»، «مهدی صالح سعید»، «عبدالوهاب صالح سعید»، «سعدون صالح سعید»، «صلاح صالح سعید» و

۱. سازمانی که برای مدیریت مناطق شمالی عراق (اقلیم کوردستان کنونی) تشکیل شد و ریاست آن را علی حسن المجید به عهده داشت. / مترجم

«رفیق صالح سعید» به بهانه‌ی اینکه پسر دیگرش به نام «د. هادی» عضو نیروهای پشمرگ است بازداشت و زندانی شدند که تا امروز از سرنوشت آن‌ها خبری در دست نیست.

استراتژی رژیم همین بود؛ اما جنگ با ایران و پشتیبانی گسترده‌ی غرب از خود را فرصتی مغتنم شمرد تا بتواند به اهداف خود در کوردستان هم دست یابد، با توجه به سکوت و چشم‌پوشی غرب و ابرقدرت‌های جهان و با نقشه‌ای دقیق و حساب شده به تعقیب کوردها پرداخته و نقشه‌ی قدیمی خود که از مدت‌ها قبل راجح نزی شده بود را چون استراتژی پیگیری کرد که در نهایت به ژنیوساید در کوردستان ختم شد.

در همین راستا می‌توان به ملاقات طارق عزیز با فریدون عبدالقادر که به نمایندگی از بریتانیایی‌ها و به واسطه‌ی حزب دمکرات کوردستان ایران برای بحث و گفتگو با سران حزب بعث آغاز مذاکرات بین PUK و رژیم وقت عراق به بغداد رفته بود، اشاره کرد. در جریان ملاقات مذکور، طارق عزیز به فریدون عبدالقادر می‌گوید: «ما شکست نمی‌خوریم چون همه‌ی دنیا از ما در مقابل ایران پشتیبانی می‌کند. یک روز این جنگ به پایان می‌رسد، اگر اکنون بیاید و با ما همراه شوید خدمت بزرگی کرده‌اید و هرگز فراموش نخواهیم کرد. اگر هم جنگ را ادامه دهید، پس از پایان جنگ با ایران، ارتش عظیمی که به ما داده با ایران ساخته‌ایم را سراغ شما خواهیم آورد. یک سال زمان و صد هزار کشته و زخمات را برایتان در نظر خواهیم گرفت اما خاکتان را به توبه کشیده و همه‌ی شما را نابود می‌کنیم».

این سخنان که مستقیماً و پنج سال پیش از آغاز عملیات انفال به نماینده‌ی جنبش آزادیخواه کورد گفته شده، مربوط به زمانی است که صرفاً عریض‌نویس خارجی‌های عراق بوده و خود سندی انکارناپذیر دال بر وجود نقشه‌ای از پیش طراحی شده با هدف نسل‌کشی کوردها است که همه‌ی سران رژیم بعث از آن آگاه بوده‌اند. ابتدا تلاش کردند کوردها را در چهارچوبی مشخص جمع‌آوری کرده بلکه پس از آن با حمله‌ای ناگهانی امکان کنترل و نابودی آن‌ها وجود داشته باشد.